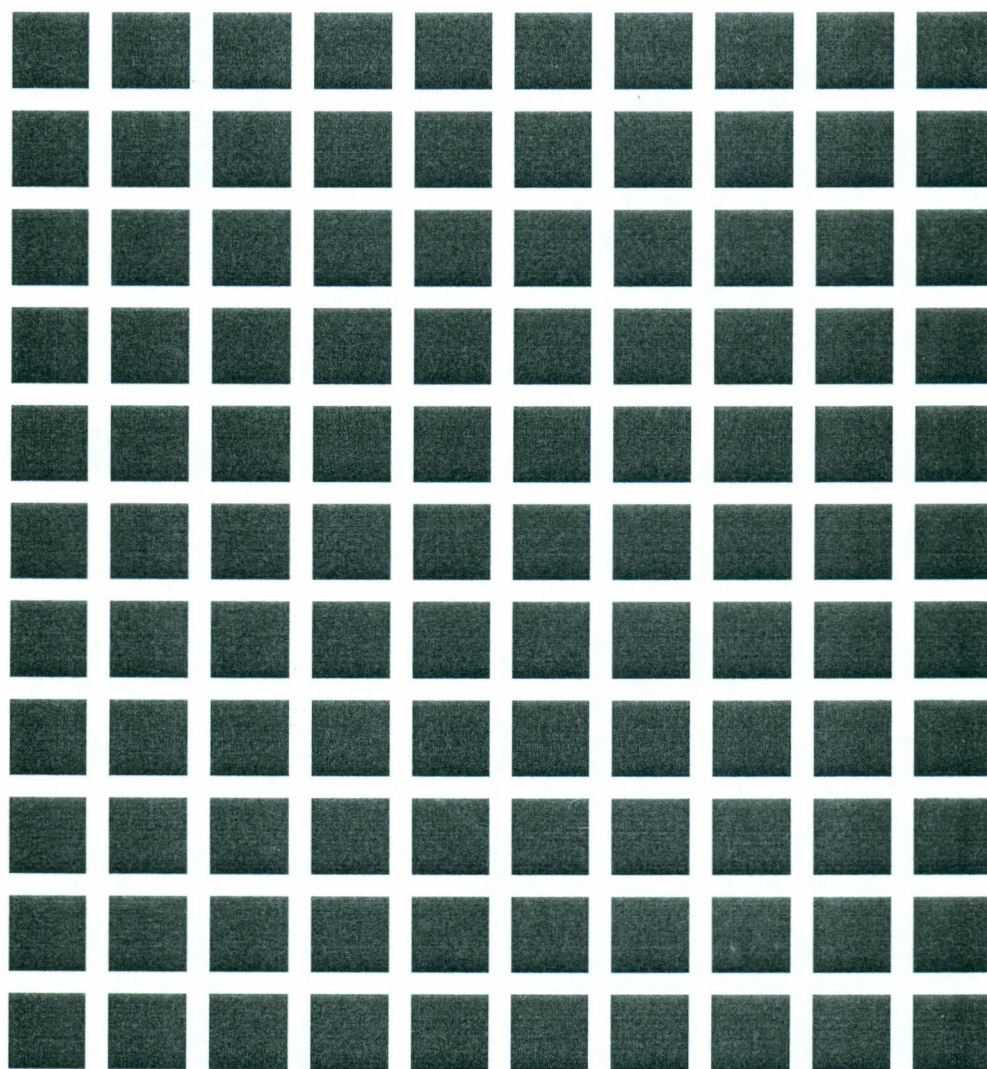


مجله  
علوم روانشناختی

تحوّلی . بالینی . پرورشی . اجتماعی



نشریه «علمی - پژوهشی» علوم روانشناختی

۸۹

همه بزرگسالی‌های ظاهری و سطحی، خوددوستاندارها مخفیانه به ترس‌هایی از خود کم‌بینی و بی‌ارزش بودن پناه می‌دهند. فرضیه پژوهش حاضر این بود که ناهموسی بالا بین حرمت خود آشکار و پنهان می‌تواند ویژگی‌های شخصیت خوددوستاندار را پیش‌بینی کند. ۲۲۵ دانشجوی سه آزمون RSES، NPI و تکمیل کردند که سه سازه این پژوهش توسط آنها اندازه‌گیری شد. تعامل حرمت خود آشکار و پنهان توانست خوددوستانداری را معنادار پیش‌بینی کند. جنبش نیز نقش تعدیل‌کنندگی معناداری نداشت. این نتیجه می‌تواند به این علت باشد که مقیاس مورد استفاده برای سنجش حرمت خود پنهان (NLT) بر جنبه خاصی از این سازه تأکید دارد و حرمت خود پنهان تک‌بعدی نیست.

**واژه - کلیدها:** حرمت خود آشکار، حرمت خود پنهان، مقیاس نام- حرف، حرمت خود بالای ناهمسو، خوددوستانداری.

\*\*\*

#### مقدمه

حرمت خود<sup>۱</sup> به تفاوت‌های ذهنی از ارزش فردی با شایستگی فردی و خودپندبری اشاره دارد (اولمل، بریدون، ویرایت و استیوینی، ۲۰۰۸). پژوهش‌های بسیار، اثرات و مزیای حرمت خود را مورد بررسی قرار داده‌اند (بایستر، ۱۹۸۲؛ ورون کلاسی و هریزبرگ، ۲۰۰۳). به رغم همبستگی حرمت خود با نشانه‌های تعادل روانی مانند بهزیستی فردی (برای مثال بایستر و همکاران، ۲۰۰۳؛ رویتر و همکاران، ۲۰۰۱؛ تن و افلاک، ۱۹۹۳)، به نظر می‌رسد که حرمت خود بالا با انواعی از پیامدهای منفی در ارتباط بوده است (بایستر و همکاران، ۱۹۹۳). برای توجیه پیامدهای مثبت و منفی حرمت خود بالا و در تلاش برای تبیین و توضیح نتایج متناقض مربوط به حرمت خود، پژوهشگران تلاش‌های گوناگونی جهت درک واضح‌تر این متغیر پیچیده انجام داده‌اند. نظریه پردازان معاصر (مانند دسی و رایان، ۱۹۹۵؛ کرنیس، ۲۰۰۳) پیشنهاد می‌کنند که دو فرم از حرمت خود بالا وجود دارد: ایمن<sup>۲</sup> و شکننده<sup>۳</sup>. به طور متداول، دست کم چهار روش برای تشخیص بین حرمت خود بالای ایمن و شکننده وجود دارد: حرمت خود دفاعی<sup>۴</sup> (هورنای، ۱۹۵۰)، حرمت خود مشروط<sup>۵</sup> (کروکر و ولف، ۲۰۰۱؛ دسی و رایان، ۱۹۹۵)، حرمت خود ناپایدار<sup>۶</sup> (کرنیس، کزنل، سان، بری و هارلو، ۱۹۹۳؛ کرنیس و ساتیس،

## رابطه ناهموسی فراتر جنبه‌های آشکار و پنهان حرمت خود با خوددوستانداری

\* فائزه بابایی

\*\* دکتر رضا پورحسین

\*\*\* دکتر محمدعلی بشارت

#### چکیده

حرمت خود به رغم همبستگی با نشانه‌های تعادل روانی، به نظر می‌رسد جنبه منفی نیز دارد. حرمت خود آشکار و پنهان ناهمسو از سازه‌هایی است که پژوهشگران برای تبیین و توضیح نتایج متناقض مربوط به حرمت خود پیشنهاد کرده‌اند. هماهنگی با نظریه‌های دوگانه شناخت انسانی، حرمت خود آشکار معمولاً عملکرد عقلانی و سیستم واکنشی را و حرمت خود پنهان، عملکرد تجربه‌ای و سیستم تکانشی را انعکاس می‌دهند. اغلب حرمت خود پنهان و آشکار برای افراد همسو است، اما برخی از افراد ناهموسی‌های بالایی در این دو نوع حرمت خود نشان می‌دهند. حرمت خود بالای ناهمسو نوعی از حرمت خود شکننده است که توسط حرمت خود آشکار بالا و حرمت خود پنهان پایین مشخص می‌شود. از دیگر سو، در توصیف‌های بالینی، آن روی سکه خوددوستانداری، شکنندگی و آسیب‌پذیری پنهان قرار دارد و فرض می‌شود که زیر

\* کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه تهران

\*\* استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تهران

\*\*\* استاد گروه روانشناسی دانشگاه تهران



حمایت توسط اکثر مقیاس‌های صورت گرفته است که برای به دام انداختن قدرت ارتباطی تداپی گونه بین نمودهای روانی خود به ویژه محتوای ارزیابیانه طراحی شده‌اند. در این فضای تداپی مقیاس حرمت خود پنهان (گرین والد و همکاران، ۲۰۰۲) طراحی شده‌اند. دو مقیاسی که بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارت از: مقیاس نام-حرف (NLT، نوتین، ۱۹۸۵) و مقیاس تداپی پنهان (IAT، گرین والد و فارنهام، ۲۰۰۰) هستند (کرپزن و سولس، ۲۰۰۸).

افراد می‌توانند در سطوح آشکار و پنهان به طور همزمان نگرش‌هایی نسبت به خود داشته باشند که با یکدیگر متناقض هستند (بوسون و همکاران، ۲۰۰۳؛ جردن و همکاران، ۲۰۰۳). حرمت خود پنهان ارزیابی‌های اجتماعی انباشته شده را انعکاس می‌دهد و حرمت خود آشکار نتیجه تفسیرهای هشدار با در بسیاری از موارد تفسیر مجدد از این تجربه‌ها است. این تفاوت در پردازش شناختی تجربه می‌تواند به ناهمسویی‌های بین حرمت خود آشکار و پنهان منجر شود. حرمت خود بالای ناهمسویی از حرمت خود شکسته است که توسط حرمت خود آشکار بالا و حرمت خود پنهان پایین مشخص می‌شود (زیگلر هیل، ۲۰۰۶).

خوددوستداری<sup>۱۱</sup> به نحو فزاینده‌ای به عنوان یک ساخت پیچیده مهم از ویژگی‌ها و فرآیندهای شخصیت، شناخته شده است (آمیس، رز و اندرسون، ۲۰۰۶). خودپنداشت فرد خودشیفته با مثبت بودن (یعنی بسیار مثبت به خود فکر کردن)، خودپسندی (یعنی فکر کردن درباره خود بدون لحاظ کردن دیگران) و احساس یکنا و خاص بودن مشخص می‌شود (کمپبل، ریدر، سلبیکس و الیوت، ۲۰۰۰). نظریه‌های بالینی، خوددوستداری را نوعی همزیستی متناقض گونه از خودبینی‌های آشکار بزرگمایی شده، و شکندگی و بی‌ارزشی پنهان، فرض می‌کنند (رهروت و مورف، ۲۰۰۹). ویژگی‌های این نوع از خود-نارسانش وری عبارت از خودبینی، بهره‌کشی، حسادت، حس محقق بودن، نیاز مبرم به تحسین و مثل این‌ها است (واتسون، هیچمن و مورس، ۱۹۹۶). اینگونه فرض می‌شود که بهزیستی روانشناختی خودشیفته‌ها به تأیید و تحسین بیش از حد دیگران، وابسته است (کرنرگ، ۱۹۷۵؛ کوهرت، ۱۹۷۷). از آنجایی که مشخصه اصلی خوددوستداری خود افرازی<sup>۱۲</sup> است (سلبیکس، ۱۹۹۸) و خودشیفته‌ها نیز برخلاف غیر خودشیفته‌ها حاضرند به قیمت همتا و شریک ارتباطی خود، روابط خودافرازی کنند (کمپبل و همکاران، ۲۰۰۰)، این افراد روابط بین شخصی ضعیفی دارند. روابط

(۱۹۹۱)، و حرمت خود آشکار و پنهان ناهمسو<sup>۱۳</sup> (بوسون، برون، زیگلر هیل و اسوان، ۲۰۰۳؛ جردن و همکاران، ۲۰۰۳؛ کرپزن و پیاردیس، ۲۰۰۲). بررسی حرمت خود پنهان و آشکار ناهمسو، مقیاس‌های پنهان حرمت خود را مطرح می‌سازد که اخیراً توجه نظری و تجربی زیادی را به خود اختصاص داده‌اند (جیور، ریکتا، پرومر و مانو، ۲۰۰۸).

پیشرفت‌های اخیر در مطالعات پردازش‌های پنهان، حرمت خود پنهان<sup>۱۴</sup> را نیز دربرمی‌گیرد (سکالزبول و بالدوین، ۲۰۰۷). هماهنگی با نظریه‌های دوگانه شناخت انسانی (استروک و دکتچ، ۲۰۰۴) حرمت خود آشکار معمولاً عملکرد عقلانی و سیستم واکنشی را منعکس می‌کند. در حالی که حرمت خود پنهان عملکرد تجربه‌ای و سیستم تکانشی را انعکاس می‌دهد (نک، کول و ده‌رنت، ۲۰۰۷؛ اسپالدین و هاردین، ۱۹۹۹). اگرچه حرمت خود آشکار و پنهان هر دو بر اساس تعاملات با افراد مهم شکل می‌گیرد، رابطه حرمت خود آشکار و پنهان در بهترین حالت، اندک است (بوسون، اسوان و پناکو، ۲۰۰۰؛ هتس، ساکوما و پلهام، ۱۹۹۹). اگر حرمت خود آشکار و پنهان توسط پردازش‌های متناظر شکل بگیرند، انتظار می‌رود که همبستگی بین مقیاس‌های حرمت خود آشکار و پنهان ضعیف باشد (نک، کول و ده‌رنت، ۲۰۰۷). به عبارت دیگر، تفاوت‌ها در ماهیت باورهای آشکار و پنهان همبستگی پایین بین آنها را به وجود می‌آورد (ده‌رنت و همکاران، ۲۰۰۶؛ پشائین، ۱۹۹۴). پژوهشگران توافق دارد که مقیاس‌های معتبر حرمت خود پنهان برای پژوهش‌های حرمت خود حیاتی و ضروری است. بنابراین، چندین مقیاس حرمت خود پنهان در سال‌های اخیر ساخته شده‌اند و شواهد بسیاری در مورد تأثیر گذاری حرمت خود پنهان فراهم شده است. در حالی که پژوهشگران زیادی حرمت خود آشکار را هشدار و ماهیتاً قابل سنجش می‌دانند که می‌تواند به وسیله پرسشنامه‌ها اندازه‌گیری شود، حرمت خود پنهان را به عنوان نتیجه فرآیندهای خود کار خود ارزیابی در نظر می‌گیرند که می‌تواند با ابزارهای سنجشی غیر مستقیم ارزیابی شود (دیچیکستر هویس، ۲۰۰۴؛ گرین والد و فارنهام، ۲۰۰۰). حرمت خود پنهان اغلب به عنوان یک گرایش خود کار فعال نسبت به خود، مفهوم سازی می‌شود (دیچیکستر هویس، ۲۰۰۴؛ گرین والد و باناجی، ۱۹۹۵) که برای داشتن اثر خود کار روی ارزیابی موضوعات خود-مرتبط و خود-نامرتبط مورد توجه است (گرین والد و باناجی، ۱۹۹۵). حرمت خود پنهان جهت انعکاس تداپی‌های خود ارزیابیانه حمایت شده است. این

خود پنهان پائین) می‌تواند ویژگی‌های شخصیت خوددستار را پیش‌بینی کند.

## روش‌شناسی

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری در مطالعه حاضر دانشجویان پسر و دختر دانشگاه تهران بودند که در خرداد ماه ۱۳۸۹ به سن بالای ۲۰ سال رسیده بودند. محدودیت سنی یادشده به دلیل نوسانات حرمت خود در سنین نوجوانی و به ثبات رسیدن آن در جوانی اعمال شد (نک: رویینیس و تروزنسکی، ۲۰۰۵). این گروه نمونه با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از دانشکده‌های فنی، پزشکی، هنرهای زیبا، حقوق و علوم سیاسی، علوم و مدیریت انتخاب شدند. در مجموع ۷۵۰ پرسشنامه ارائه شده به گروه نمونه، ۳۲۵ پرسشنامه به طور کامل پر شده بود و قابل استفاده در پژوهش تشخیص داده شد. میانگین سنی کل آزمودنی‌ها ۲۲/۴۰ سال با دامنه ۲۰-۳۵ و انحراف معیار ۲/۳۷ بود.

ابزار پژوهش: ۱- مقیاس حرمت خود روززنگبر: این ابزار شناخته شده ۱۰ سوال دارد و به هر سوال بر اساس مقیاس دو گزینه‌ای موافق و مخالف نمره داده می‌شود. نسخه فارسی این ابزار از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار است. روززنگبر آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۸۵ گزارش کرده است.

۲- آزمون نام-حرف<sup>۱۲</sup> NLT (نوتین، ۱۹۸۵) از رایج‌ترین ابزارهای مورد استفاده برای سنجش حرمت خود پنهان است. ردیفی از حروف و علائم به آزمودنی‌ها ارائه می‌شود و از آنها خواسته می‌شود که بلافاصله هر یک را ارزیابی کنند. ارزیابی‌ها از اجرای اول و دوم این آزمون بالای ۰/۳۰ همبسته بود (نک: یوسون و همکاران، ۲۰۰۰) که دست کم همسانی درونی معتدلی را نشان می‌دهد. زیگلر هیل (۲۰۰۶) همبستگی بین ترجیحات آزمودنی‌ها را همسانی درونی می‌داند،  $P < ۰/۰۰۱$  و  $r = ۰/۴۲$ . اعتبار و پایایی این آزمون در پژوهش‌های متعددی اثبات شده است (جونس و همکاران، ۲۰۰۲؛ کولی و پلهام، ۲۰۰۳؛ زیگلر هیل، ۲۰۰۶). گراپشی قوی در افراد برای ارزیابی حرف نخست ناشناخت به طور دوست‌داشتنی در مقایسه با دیگر حروف در زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در اطلاعات بسیاری مستند شده است (نک: هورنس، نوتین، هرنس و پاواکاتون، ۱۹۹۰).  
۳- مقیاس شخصیت خوددستار<sup>۱۳</sup>: بر کاربردترین فهرست خودگردش‌دهی از رگه‌های

خوددشمنه‌وار توسط حسی از محق بودن، بهره‌کشی از شریک ارتباطی، بی‌تفاوتی نسبت به نیازهای شریک ارتباطی و فقدان عشق اصیل مشخص می‌شود (کسیل و همکاران، ۲۰۰۰). یکی از تبیین‌های بیان شده برای ویژگی‌های ارتباطی خوددشمنه‌وار، خودافزایی خوددستار به عنوان پاسخی مرمی به تهدید خود است (زهودالت و مورف، ۱۹۹۵). ویژگی مهم دیگری که در افراد خوددستار مشاهده می‌شود گوش به زنگ بودن نسبت به تهدید خود است. به رغم اینکه خوددستارها فکر می‌کنند که تقریباً کامل هستند، به نظر می‌رسد که در واقع خود را در برابر حس بی‌ارزش بودن محافظت می‌کنند. در توصیف‌های بالینی، آن روی سکه خوددستاری، شکنندگی و آسیب‌پذیری پنهان قرار دارد و فرض می‌شود که زیر همه بی‌ارزش بودن پناه می‌دهند (مانند اکهارت و تامیسون، ۱۹۸۲). هورالت و مورف (۲۰۰۹) سازگار با نظر به‌های بالینی که بر ماهیت خوددشمنی مربوط به خودنظم‌دهی خوددستاری (مانند کوهورت، ۱۹۷۷) تأکید می‌کنند، مکانیسم مرتبط را سرکوبی می‌دانند. یعنی راهبرد اجتناب به طور خودکار به کار می‌افتد و فرد از اینکه در مقابل محرک‌های تهدیدآمیز با اجتناب از آنها دست به دفاع می‌زند آگاه نیست. اخیراً پژوهشگران کشف رابطه بین خوددستاری و حرمت خود پنهان (به عنوان یک مقیاس غیرمستقیم برای بی‌ارزش بودن) را آغاز کرده‌اند (هورالت و مورف، ۲۰۰۹؛ یوسون و همکاران، ۲۰۰۸). از آنجایی که خوددستارها می‌توانند جلوگیری کنند که احساس بی‌ارزش بودن به سطح بیاید و بنابراین می‌توانند به طور موافقت‌آمیز خوددشان را فریب دهند، ضرورت دارد مقیاس‌های آشکار مانند پرسشنامه‌های خودگردش‌دهی توسط مقیاس‌های پنهان کامل شوند تا احساس بی‌ارزش بودن ارزیابی گردد (هودالت و مورف، ۲۰۰۹). علاوه بر این ناهموسی بین ارزیابی احساس بی‌ارزش بودن از طریق خودگردش‌دهی و مقیاس‌های پنهان، نشان می‌دهد که خوددستارها احتمالاً در برابر احساس بی‌ارزش بودن دفاع می‌کنند. از دیگر سو، در حالی که اغلب حرمت خود پنهان و آشکار برای افراد همسو است، برخی از افراد ناهموسی‌های بالایی در این دو نوع حرمت خود نشان می‌دهند (کولی، گورون، چنگ و گالوسی، ۲۰۰۹). مسئله پژوهش حاضر این است که ناهموسی بالا بین حرمت خود آشکار و پنهان (حرمت خود آشکار بالا و حرمت



خوددوستدار در جمعیت بهنجار است (کانسی، ۲۰۰۳). این پرسشنامه دارای ۴۰ گویه و هر گویه شامل دو بازخورد است. آزمودنی باید یکی از دو بازخورد را انتخاب کند. مجموع نمره‌ها سطح خوددوستداری فرد را نشان می‌دهد. روایی پرسشنامه NPI از طریق اجرای همزمان آن با پرسشنامه چندمحوری اختلال شخصیت میلون (MCMI-II) که بیش از سایر پرسشنامه‌ها می‌تواند اختلال شخصیت خوددوستدار را ارزیابی کند تعیین شده است و همبستگی معنادار ( $P < 0.001$ ) و  $r = 0.79$  به دست آمده است.

#### یافته‌ها

جهت تحلیل داده‌های پژوهش حاضر، تحلیل رگرسیون مرتبه ای استفاده شد. متغیر پیش‌بین حرمت خود آشکار و حرمت خود پنهان ناهمسو و متغیر ملاک ویژگی‌های شخصیت خوددوستدار بود.

جدول ۱: داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	سطح	شاخص	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
سن	۲۰-۲۵	۲۰۰	۸۸/۸	۲۲/۴۰	۲۲/۴۰	۲/۴۷
	۲۶-۳۵	۲۵	۱۱/۱			
جنس	دختر	۱۰۵	۴۶/۷			
	پسر	۱۲۰	۵۳/۳			
حرمت خود پنهان			۱/۹۳		۲/۲۱	
حرمت خود آشکار					۵/۲۹	۴/۲۷
ویژگی‌های خودشیفته					۲۳/۰۷	۶/۹۵

براساس جدول شماره (۱) آزمودنی‌ها در این آزمون بین سن ۲۰ تا ۳۵ سال بودند. میانگین سن آنها با انحراف معیار ۲/۴۷ برابر ۲۲/۴۰ است؛ ۴۶/۷ درصد از شرکت کنندگان دختر و ۵۳/۳ درصد پسر هستند. به علاوه میانگین سطح حرمت خود پنهان آزمودنی‌ها با انحراف معیار ۲/۲۱ برابر ۱/۹۳، سطح حرمت خود آشکار آنها با انحراف معیار ۴/۲۷ برابر ۵/۲۹ و ویژگی‌های شخصیتی خودشیفته آنها با انحراف معیار ۶/۹۵ برابر ۲۳/۰۷ است.

جهت بررسی تعامل حرمت خود آشکار و حرمت خود پنهان در رابطه با ویژگی‌های خوددوستدار در تعامل این دو متغیر پیش بین وارد معادله و محاسبه شد که نتایج در جدول شماره (۲) دیده می‌شود.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون براساس مدل ۱ و ۲

شاخص	R	R <sup>2</sup>	تعدیل شده	$\Delta R^2$	$\Delta F$	معناداری F
مدل ۱	۰/۳۱۴	۰/۰۹۹	۰/۰۸۷	۰/۰۰۰	۰/۰۹۹	۰/۷۵۳

طبق جدول شماره (۲)، در مدل (۱) تعامل حرمت خود آشکار و پنهان متغیر پیش بین و ویژگی‌های خوددوستداری متغیر ملاک است که در این مدل رابطه معناداری مشاهده نشد.

جدول ۳: متغیرهای خارج شده از معادله

شاخص	$\beta$	t	P	همبستگی جهت‌دار	آماره‌های خطی
مدل ۱ - تعامل	۰/۰۳۶	۰/۳۱۵	۰/۷۵۳	۰/۰۲۱	۰/۳۱۳

جدول شماره (۳) متغیر خارج شده از معادله، تعامل حرمت خود آشکار و حرمت خود پنهان را نشان می‌دهد که به طور مثبت و بسیار ضعیف با متغیر وابسته، ویژگی‌های خوددوستداری رابطه دارد ( $r = 0.021$ ).

جنس به عنوان متغیر تعدیل کننده وارد معادله شد که جدول شماره (۴) نتایج تحلیل رگرسیون بر اساس مدل (۱) را نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون براساس مدل ۱ و ۲ به تفکیک جنس

شاخص	R	تعدیل شده	$\Delta R^2$	$\Delta F$	P
مدل ۱ جنس دختر	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۹۸۲
مدل ۱ جنس پسر	۰/۰۰۷	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۹۴۳
مدل ۲ جنس دختر	۰/۳۲۱	۰/۱۰۳	۰/۰۸۵	۱۱/۷۱۲	۰/۰۰۱
مدل ۲ جنس پسر	۰/۳۲۶	۰/۰۹۱	۰/۱۰۶	۱۳/۸۷۲	۰/۰۰۰

در جدول شماره (۴) نتایج تحلیل رگرسیون در مدل (۱) رابطه حرمت خود پنهان با ویژگی‌های خودشیفتگی را  $0/02$  نشان می‌دهد که درصدی قابل توجه از واریانس ویژگی‌های خوددوستداری را تبیین نمی‌کند. در مدل (۲) متغیرهای پیش بین حرمت خودپنهان و آشکار بودند که افزایش قابل توجهی در مجذور R (تغییر مجذور R دختر =  $0/085$ ) و (تغییر مجذور R پسر =  $0/106$ ) ایجاد نشد.

جدول ۵: متغیرهای خارج شده از معادله به تفکیک جنس

مدل	شخص	$\beta$	t	P	همبستگی جهت‌دار	آماده‌های خطی
	جنس					تلاش
۱- حرمت خود آشکار	دختر	$-0/321$	$-3/422$	$0/001$	$-0/321$	$1/000$
	پسر	$-0/329$	$-3/724$	$0/000$	$-0/326$	$0/976$

جدول شماره (۵) متغیرهای خارج شده از معادله به تفکیک جنس را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود تعدیل کنندگی جنس دختر ( $-0/321$ ) = بتا،  $t = -3/422$  و پسر ( $-0/329$ ) = بتا،  $t = -3/724$  تفاوت قابل توجهی ایجاد نکرده است. میزان همبستگی نیز در دو جنس (دختر =  $-0/321$ ) و (پسر =  $-0/326$ ) نزدیک به هم است.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با تأکید بر روشن کردن بیشتر پردازش‌های پنهان و ناهشیار در برابر پردازش‌های آشکار و هشیار، یک مقیاس پنهان رایج در دنیا را اولین بار برای نمونه ایرانی به کار برد و اثر نام-حرف را جهت اندازه‌گیری حرمت خود پنهان مورد استفاده قرار داد. نمره‌های به‌دست آمده از این آزمون در تعامل با نمره‌های حرمت خود آشکار برای پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی خوددوستدارانه به کار رفت. نتایج تحلیل رگرسیون رابطه این تعامل را با ویژگی‌های شخصیتی خوددوستدارانه معنادار نشان نداد. یافته‌های پژوهش، فرضیه مطرح شده را مورد تأیید قرار نداد. همان‌طور که اشاره شد، همبستگی بین متغیرهای حرمت خود پنهان و ویژگی‌های خوددوستداری بسیار ضعیف، و بین متغیرهای حرمت خود آشکار و ویژگی‌های خوددوستداری رابطه‌ای ضعیف و منفی را نشان داد. به نظر می‌رسد همبستگی ضعیف و منفی حرمت خود آشکار و ویژگی‌های

خوددوستداری با یافته‌های متناقض درباره رابطه این متغیرها سازگاری داشته باشد و اینکه خوددوستداری با حرمت خود هم ارزش نیست (برون و زیگلرهیل، ۲۰۰۴). افراد با فرم‌های بزرگنمایی از خوددوستداری معمولاً حرمت خود بالایی گزارش می‌کنند، اما بسیاری از افراد با حرمت خود بالا، داشتن صفات خودشیفته وار را تأیید نمی‌کنند (سموئل و ویدیگر، ۲۰۰۸).

همان‌طور که زیگلرهیل (۲۰۰۶) اظهار می‌دارد، ماهیت ناهشیار حرمت خود پنهان، ارزیابی این ساخت را به شدت دشوار می‌سازد. به دلیل آن که مقیاس حرمت خود پنهان هنوز در ابتدایی‌ترین مراحل شکل‌گیری قرار دارد، توافق روشنی مانند توافق بر سر روش‌های متداول در اندازه‌گیری حرمت خود آشکار در مورد مقیاس‌های حرمت خود پنهان هنوز وجود ندارد. اگرچه این فرض مورد تأمل بوده است که خوددوستدارها حرمت خود بالای ناهمسو دارند (مانند برون و بوسون، ۲۰۰۱)، فقط به تازگی تلاش برای یافتن حمایت‌های تجربی از این ایده آغاز شده است (جردن و همکاران، ۲۰۰۳). برای نمونه، پژوهش‌ها نشان دادند که افراد با حرمت خود بالای ناهمسو گرایش‌های خودافزایی فزاینده (بوسون و همکاران، ۲۰۰۳) و رفتاری دفاعی (جردن و همکاران، ۲۰۰۳) دارند که از نشانه‌های خوددوستداری است. زیگلرهیل (۲۰۰۶) گزارش کرد، افراد با حرمت خود بالای ناهمسو بالاترین سطوح خوددوستداری را نشان دادند. اما نکته قابل توجه این است که این یافته که افراد با حرمت خود بالای ناهمسو با سطوح بالای خوددوستداری مشخص می‌شوند، وقتی کشف شد که برای اندازه‌گیری حرمت خود پنهان هر دو مقیاس تداعی پنهان (IAT)، گرین والد و فارنهام، ۲۰۰۰) و پرسشنامه خود ارزیابی پنهان (ISES، پلهام و هتس، ۱۹۹۹) به کار رفت. بنابراین، همسو با نتایج پژوهش حاضر، در پژوهش زیگلرهیل (۲۰۰۶) نیز آزمون نام-حرف در تعامل با حرمت خود آشکار برای پیش‌بینی خوددوستداری شکست خورد. زیگلرهیل (۲۰۰۶) در توضیح خود بیان می‌کند که ممکن است آزمون نام-حرف جنبه‌ای از حرمت خود پنهان را به دام می‌اندازد که فرمی متفاوت از آن چیزی است که توسط IAT و ISES اندازه‌گیری می‌شود.

ساکلاروپولو و بالدوین (۲۰۰۷) در راستای همین نتایج درباره رابطه اثر نام-حرف و خوددوستداری، حرمت خود پنهان را نه تک بُعدی بلکه چند نمودی می‌دانند. آنان دو بُعد حرمت خود پنهان را خود-دوستداری و خود-مجدوبی نامیدند و بر همین اساس دو نسخه از NLT را در رابطه با خوددوستداری مورد بررسی قرار دادند. اگرچه قضاوت جذابیت و دوست‌داشتی بودن



مقداری شباهت دارند، روی هم رفته از لحاظ کیفی متفاوتند. نسخه خود- دوستداری NLT درجه‌ای را نشان می‌دهد که افراد خودشان را در یک سطح ناهشیار دوست دارند و می‌پذیرند، در حالی که نسخه خود- مجذوبی NLT درجه‌ای را نشان می‌دهد که افراد خود را در یک سطح ناهشیار تحسین می‌کنند. این دو بُعد از حرمت خودپنهان به نحو افتراقی با خود گزارش‌های خوددوستاندار و احساسات تجاوزکاری همراه شده بود. به ویژه واکنش‌های خوددوستاندارانه توسط ترکیب سطح بالای خود- مجذوبی پنهان و سطح پایین خود- دوستداری پنهان پیش‌بینی شد.

#### پی‌نوشت‌ها:

- |   |                          |
|---|--------------------------|
| 1- Self-esteem                                  | 2- Secure                |
| 3- Fragile                                      | 4- Defensive self-esteem |
| 5- Contingent self-esteem                       | 6- Unstable self-esteem  |
| 7- Discrepant implicit and explicit self-esteem | 8- Implicit self-esteem  |
| 9- Explicit self-esteem                         | 10- Narcissism           |
| 11- Self-enhancement                            | 12- Name-Letter Test     |
| 13- Narcissistic Personality Inventory          |                          |

#### منابع و مآخذ خارجی:

- Akhtar, S. & Thompson, J.A. (1982). Overview: Narcissistic personality disorder. *American Journal of Psychiatry*, 139, 12-20.
- Ames, D.R., Rose P. & Anderson, C.P. (2006). The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of Research in Personality*, 40, 440-450.
- Baumeister, R.F., Campbell, J.D., Krueger, J. I. & Vohs, K. D. (2003). Does high self-esteem cause better performance, interpersonal success, happiness, or healthier lifestyles? *Psychol. Sci. Public Interest*, 4, 1-24.
- Baumeister, R.F. (1982). A self-presentational view of social phenomena, *Psychological Bulletin*, 91, 3-26.
- Bosson, J.K., Brown, R.P., Zeigler-Hill, V. & Swann, W.B. , Jr. (2003). Self-enhancement tendencies among people with high explicit self-esteem: The moderating role of implicit self-esteem. *Self and Identity*, 2, 169-187.
- Bosson, J.K., Lakey, C.E., Campbell, W.K., Zeigler-Hill, V., Jordan, C.H., &

- Kernis, M.H. (2008). Untangling the links between narcissism and self-esteem: A theoretical and empirical review. *Personality and Social Psychology*, Compass, 2.
- Brown, R.P. & Bosson, J.K. (2001). Narcissus meets Sisyphus: Self-love, selffloat, and the never-ending pursuit of self-worth. *Psychological Inquiry*, 12, 210-213.
- Brown, R.P. & Zeigler-Hill, V. (2004). Narcissism and the non-equivalence of self-esteem measures: A matter of dominance?, *Journal of Research in Personality*, 38, 585-592.
- Bosson, J. K., Swann, W.B. & Pennebaker, J. W. (2000). Stalking the perfect measure of implicit self-esteem: The blind men and the elephant revisited?, *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 631-643.
- Crocker, J. & Wolfe, C.T. (2001). Contingencies of self-worth. *Psychological Review*, 108, 593-623.
- Campbell, W.K., Reeder, G.D., Sedikides, C. & Elliot, A.J. (2000). Narcissism and Comparative Self-Enhancement Strategies, *Journal of Research in Personality*, 34, 329-347.
- DeHart, T., Pelham, B.W. & Tennen, H. (2006). What lies beneath: Parenting style and implicit self-esteem. *Journal of Experimental Social Psychology*, 42, 1-17.
- Dijksterhuis, A. (2004). I like myself but I don't know why: Enhancing implicit self-esteem by subliminal evaluative conditioning. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 345-355.
- Deci, E.L. & Ryan, R.M. (1995). Human agency: The basis for true self-esteem. In M.H. Kernis (Ed.). *Efficacy, agency, and self-esteem* (pp. 31-50). New York: Plenum Press.
- Epstein S. (1994). Integration of the cognitive and the psychodynamic unconscious. *American Psychologist*, 49, 709-724.
- Gebauer, J.E., Riketta, M., Broemer, P., Maio, G.R. (2008). "How much do you like your name?" An implicit measure of global self-esteem, *Journal of Experimental Social Psychology*, 44, 1346-1354.
- Greenwald, A.G. & Banaji, M.R. (1995). Implicit social cognition: Attitudes, self-esteem, and stereotypes. *Psychological Review*, 102, 4-27.
- Greenwald, A.G. & Farnham, S. D. (2000). Using the implicit association test to measure self-esteem and self-concept. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 1022-1038.
- Horvath, S., Morf, C.C., (2009). Narcissistic defensiveness: Hypervigilance and avoidance of worthlessness, *Journal of Experimental Social Psychology*, 45, 1252-1258.
- Hetts, J.J., Sakuma, M. & Pelham, B.W. (1999). Two roads to positive regard: Implicit and explicit self-evaluation and culture. *Journal of Experimental Social Psychology*, 1, 48-52.



- Nuttin, M.J. Jr. (1985). Narcissism beyond Gestalt and awareness: The name letter effect. *European Journal of Social Psychology*, 64, 723-739.
- O'Donnell, K., Brydon, L., Wright, C.E., Steptoe, A., (2008). Self-esteem levels and cardiovascular and inflammatory responses to acute stress, *Brain, Behavior, and Immunity*, 22, 1241-1247.
- Pelham, B.W. & Hetts, J.J. (1999). *Implicit self-evaluation*, State University of New York at Buffalo.
- Rhodewalt, F. & Morf, C.C. (1995). Self and interpersonal correlates of the narcissistic personality inventory. *Journal of Research in Personality*, 29, 1-23.
- Robins, R.W., Trzesniewski, K.H., Tracy, J.L., Gosling, S.D. & Potter, J. (2002). Global self-esteem across the lifespan. *Psychology and Aging*, 17, 423-434.
- Robins, R.W., Hendin, H.M. & Trzesniewski, K.H. (2001). Measuring global self-esteem: Construct validation of a single-item measure and the Rosenberg self-esteem scale. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27, 151-161.
- Spalding, L.R. & Hardin, C.D. (1999). Unconscious unease and self-handicapping: Behavioral consequences of individual differences in implicit and explicit self-esteem. *Psychological Science*, 10, 535-539.
- Strack, F., & Deutsch, R. (2004). Reflective and impulsive determinants of social behaviour. *Personality and Social Psychology Review*, 8, 220-247.
- Sedikides, C., Campbell, W.K., Reeder, G.D. & Elliot, A.J. (1998). The self-serving bias in relational context. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 378-386.
- Sakellaropoulou, M., Baldwin, M.W., (2007). The hidden sides of self-esteem: Two dimensions of implicit self-esteem and their relation to narcissistic reactions. *Journal of Experimental Social Psychology*, 43, 995-1001.
- Tennen, H. & Affleck, G. (1993). The puzzles of self-esteem: A clinical perspective. In R.F. Baumeister (Ed.), *Self-esteem: The puzzle of low self-regard*, New York: Plenum Press, 241-262.
- Watson, P.J., Hickman, S.E., Morris, R.J. (1996). SELF-REPORTED NARCISSISM AND SHAME: TESTING THE DEFENSIVE SELF-ESTEEM AND CONTINUUM HYPOTHESES, *Personality and Individual Differences*, (Vol. 21, No. 2, pp. 253-259).
- von Collani, G. & Herzberg, P.Y. (2003). Zur internen Struktur des globalen Selbstwertgefühls nach Rosenberg [On the internal structure of global self-esteem (Rosenberg)]. *Zeitschrift für Differentielle und Diagnostische Psychologie*, 24, 9-22.
- Zeigler-Hill, V. (2006). Discrepancies Between Implicit and Explicit Self-Esteem: Implications for Narcissism and Self-Esteem Instability, *Journal of Personality*, 74:1, 119-144.

- Hoorens, V. & Nuttin, J.M. (1993). Overvaluation of own attributes: Mere ownership or subjective frequency?, *Social Cognition*, 11, 177-200.
- Horney, K. (1950). *Neurosis and human growth: The struggle toward self-realization*. New York: Norton.
- Jones, J.T., Pelham, B.W. and Mirenberg, M.C. & Hetts, J.J. (2002). Name Letter Preferences Are Not Merely Mere Exposure: Implicit Egotism as Self-Regulation, *Journal of Experimental Social Psychology* 38, 170-177.
- Jordan, C.H., Spencer, S.J., Zanna, M.P., Hoshino-Browne, E. & Correll, J. (2003). Secure and defensive high self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85, 969-978.
- Koole, S.L. & Pelham, B.W. (2003). On the nature of implicit self-esteem: The case of the name letter effect. In S. Spencer, S. Fein, & M. P. Zanna (Eds.), *Motivated social perception: The Ontario symposium* (pp. 93-116). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Koole, S.L. & DeHart, T. (2007). Self-affection without self-reflection: Origins, mechanisms, and consequences of implicit self-esteem. In C. Sedikides & S. Spencer (Eds.), *The self in social psychology* (pp. 36-86). New York: Psychology Press.
- Koole, S.L., Govorun, O., Cheng, C.M., Gallucci, M., (2009). Pulling yourself together: Meditation promotes congruence between implicit and explicit self-esteem, *Journal of Experimental Social Psychology*, 45, 1220-1226.
- Kernberg, O. (1975). *Borderline conditions and pathological narcissism*. New York: Jason Aronson.
- Kernis, M.H., Grannemann, B.D. & Mathis, L.C. (1991). Stability of self-esteem as a moderator of the relation between level of self-esteem and depression. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 80-84.
- Kernis, M.H. & Paradise, A.W. (2002). Distinguishing between fragile and secure forms of high self-esteem. In E. L. Deci & R. M. Ryan (Eds.), *Self-determination: Theoretical issues and practical applications*. Rochester, NY: University of Rochester Press.
- Kernis, M. H., Cornell, D. P., Sun, C. R., Berry, A., & Harlow, T. (1993). There's more to self-esteem than whether it is high or low: The importance of stability of self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 65, 1190-1204.
- Kernis, M.H. (2003). Toward a conceptualization of optimal self-esteem. *Psychological Inquiry*, 14, 1-26.
- Kohut, H. (1977). *The restoration of the self*. New York. International Universities Press.
- Krizan, Z. & Suls, J. (2008). Are implicit and explicit measures of self-esteem related? A meta-analysis for the Name-Letter Test. *Personality and Individual Differences*, 44, 521-531.